

(۳) به مناسبت ۲۹ اردیبهشت امسال (۱۳۸۹)

(سه)

پس از شکست آزادی و خاتمه مشروطه اول قهرمان ما، مدتی متواری و مخفی بود و با وجودیکه هر لحظه امکان توقیف و نابودی وی میرفت حاضر به شرکت در تحصن سفارت انگلیس نگردید. در اولین فرصت برای تحصیلات عالی رهسپار اروپا شد و نزدیک به دو سال در مدرسه علوم سیاسی پاریس مشغول به تحصیل گردید. بعد به علت بیماری و احتیاج به استراحت به ایران برگشت و پس از مراجعت به اروپا در یکی از شهرهای سوئیس بنام نوشاتل بتحصیل علم حقوق پرداخت و قبل از جنگ بین المللی اول در علم حقوق دکتری گرفت و پس از طی دوران کارآموزی موفق به اخذ تصدیقنامه وکالت دادگستری از کانون وکلای نوشاتل گردید و عازم ایران شد. پس از مراجعت به ایران بنا بدعوت دکتر ولی الله خان نصر رئیس مدرسه علوم سیاسی با سمت استادی در آن مدرسه بتدریس پرداخت و در همین دوران کتاب دستور در محاکم حقوقی را به منظور کمک به تحول و توسعه قوه قضائیه نوبنیاد ایران که به همت روشنفکران مشروطه خواه بنیانگذاری شده بود برای تدریس در آن مدرسه نوشت. تازه خبر الغای کاپیتولاسیون در ترکیه به ایران رسیده بود و با وجود آنکه این رژیم استعماری در ایران نیز اجراء میشد، اکثر مردم از شکل و معنای آن با خبر نبودند. مصدق برای روشن شدن اذهان و آماده کردن زمینه برای الغای کاپیتولاسیون در ایران در مهرماه ۱۲۹۳ رساله ای به نام

کابیتولاسیون و ایران نوشت و منتشر کرد و خواهان الغای این رژیم استعماری گردید. سپس در جهت توسعه اقتصاد ملی که یکی از اهداف انقلاب مشروطیت بود به تقاضای عده ای از تجار که مایل به فعالیت های اقتصادی جمعی از طریق تشکیل شرکتهای تجارتي بودند و راهنمائی برای تشکیل شرکت در دست نداشتند، رساله دیگری بنام شرکتهای سهامی در اروپا منتشر کرد. اکثر اوقات وی به تحقیقات و مطالعات علمی میگذشت و میکوشید تا ثمره تحصیلات خود را به هموطنان عرضه کند و در همین زمینه همراه با شادروان حاج میرزا یحیی دولت آبادی و عده دیگری که در خارج تحصیلاتی کرده بودند به انتشار مجله ای بنام "مجله علمی" مبادرت نمود که بیش از ۱۵ شماره آن منتشر نشد. این مجله از لحاظ شکل و محتوی و تنوع مطالب یکی از آموزنده ترین نشریات پس از مشروطه است.

(چهار)

مصدق همواره معتقد بود که اجتماع مردم در احزاب باعث تحکیم اساس مشروطیت و حفظ آرمانهای ملی خواهد شد. لذا هنگام انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی که در یکی از انجمن های نظارت انتخابات تصدی داشت دعوت همکاریش علامه دهخدا را بفعالیت و عضویت در حزب اعتدال قبول کرد. این حزب یکی از دو حزبی بود که بهنگام مجلس دوم تشکیل یافتند و پس از آنکه حزب اعتدال بر اثر اشغال ایران در جنگ

بین المللی اول و شرکت اعضایش در مهاجرت از بین رفت به محض امکان تحزیب به حزب دمکرات ضد تشکیلی گروید و در این حزب که مخالف تشکیل مجلس در غیاب کسانی که بعلت اعتراض به اشغال غیر رسمی کشور در زمان جنگ مهاجرت کرده بودند بود بفعالیت پرداخت و همگام با سایر اعضاء حزب زمانیکه قرارداد تحت الحمایگی منفور ۱۹۱۹ میلادی در شرف انعقاد بود در مبارزه مردم علیه استعمار و دست نشانندگان آن شرکت نمود. اشخاصی مانند تقی زاده و حسینقلی خان نواب و سلیمان میرزا و وحیدالملک و سید محمد رضا مساوات در رأس حزب دمکرات قرار داشتند و در مقابل اسامی کسانی مانند علامه دهخدا و دولت آبادی و حاج آقای شیرازی و شکرالله خان قوام الدوله و مجتهدان مجاهدی مانند سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی در میان اعضاء و رهبران حزب اعتدال بچشم میخورد. متأسفانه چون هیچیک از این دو حزب بخاطر مرام مشخصی جز آزادی به گرد هم نیامده بودند، هنوز از هر قماش آدمی در میان اعضاء این دو حزب بچشم میخورد و امکان تعیین مترقی تر بودن یا برتر بودن این یا آن از روی مرام یا اسامی اعضاء و رهبران وجود نداشت بهمین جهات و بدلیل طرفداری برخی از اعضاء حزب از سیاست خارجی اختلافات ناشی از متنوع بودن سلیقه و روش های اجتماعی و طبقاتی در درون هریک از احزاب در گرفت و زمینه برای جناح بندی آماده شد.

دیری نپائید که بعلت جنگ بین الملل اول و مهاجرت دولت و مجلس از تهران بخاطر اعتراض به اشغال و نقض بیطرفی ایران از طرف قوای متفقین (روس و انگلیس) درگیری داخلی اعضاء دو حزب بیشتر شد.

ایادی و عوامل انگلیس که مسلماً نمیتوانستند از تصمیم ملیون برای مهاجرت

از تهران حمایت کنند، باعث متلاشی شدن احزاب دوگانه گردیدند.

حزب اعتدال منحل شد و بازماندگان آن همراه با بازماندگان حزب دمکرات بعدها بصورت دو حزب جدید در صحنه سیاست ظاهر شدند.

جنابین ملی هردو حزب که در مخالفت با سیاست انگلیس وحدت داشتند و دوستی با آلمان و عثمانی را بعنوان دشمنان انگلیس، روش موقت عمل قرار داده بودند، بعلت مهاجرت خارج از کشور بسر میبردند. همگامان آنان در ایران که با انجام انتخابات دوره چهارم در غیاب بقیه اعضاء احزاب یعنی مهاجرین مخالف بودند بنام حزب دمکرات ضد تشکیلی معروف شدند و تشکیلاتی بهمین نام داده شد. از طرف دیگر سایرین که عناصری چون وثوق الدوله معمار قرارداد تحت الحمایتی ۱۹۱۹ در میان آنان بود، عجله داشتند که در ظاهر مجلس و مشروطه را برقرار کنند و به فترت پایان دهند و در باطن انتخابات را در غیاب عناصر موثر ملی انجام و و مجلسی به نفع سیاست انگلیس تشکیل دهند. بدین دلیل بنام دمکرات های تشکیلی معروف شدند و حزبی به همین نام تشکیل دادند.

نباید فراموش کرد که این وقایع در دورانی اتفاق افتاد که هنوز صفوف سیاسی از جهت فکری و اجتماعی مشخص نشده بود و عضویت در این دسته و جمعیت و یا در آن حزب و تشکیلات کاملاً نمودار اصالت و یا عدم اصالت شخص نمیتوانست باشد، چه بسا اعضاء دمکرات ضد تشکیلی که حزب ملی و مترقی زمان بود، بعدها خراب از آب در آمدند و چه بسا "تشکیلی" ها که حزب متمایل به سیاست انگلیس را تشکیل داده بودند که نیکنام زیستند. این دوران دارای اصالتی بی نظیر بود و آن را میتوان دوران

تلاش و کوشش و راهیابی و تجربه برای آزادی و استقلال نامید . متأسفانه تجربیات و کوشش های این زمان با قرارداد ۱۹۱۹ و سپس کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ و جریانات پس از آن بتدریج عقیم شد و سیر تحول و رشد احزاب در هم ریخت. و بالاخره استبداد مطلق چندین ساله هر نوع امیدی را برای رشد اجتماع دمکراتیک و تحزب برای مدتی از بین برد و نیز ارتباط آثار و تجربیات گذشته را بطور و حشنتاکی با آینده قطع کرد.

ادامه دارد

(پنج)